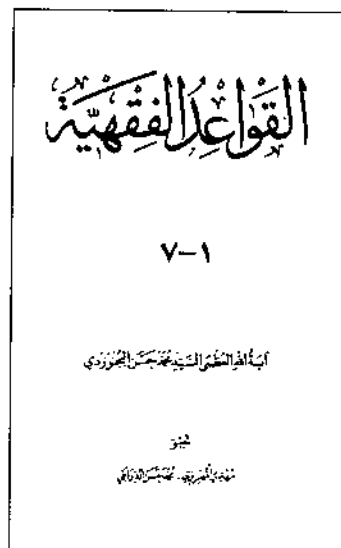
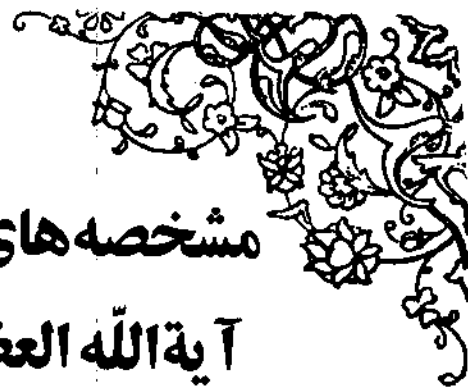


مشخصه‌های القواعد الفقهية آية الله العظمى بجنوردی



● علی‌رضا هدائی

■ القواعد الفقهية: بجنوردی، آیت‌الله العظمی السید محمد حسن، تحقیق: المهریزی، محمد - الدرایتی، محمد حسین.
■ نشر الهادی
■ قم
■ ۱۴۱۹ هـ / ق / ۱۳۷۷ هـ ش.
■ ۲۷ ج

کتاب ارزشمند «القواعد الفقهية» آیت‌الله العظمی بجنوردی که فقط یک بار به چاپ رسیده بود اکنون با هبشی زیبا و تحقیقی ستودنی از سوی دو تن از دانشوران در دسترس اهل نظر قرار گرفته است. تلاش محققان محترم در چاپ جدید کتاب، که با یاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به انجام رسیده، در این امور جلوه‌گر شده است:



۱. اغلاط چاپی احتمالی تصحیح و مباحث به گونه‌ای منطقی در بندهای مختلف تقطیع شده است. برای تسهیل قرائت متن، نشانه‌های سجاوندی مناسب به کار رفته است.

۲. آیات و روایات تخریج شده‌اند. در برشمردن مصادر روایات در پاورقی تنها بر یک کتاب اکتفا نشده بلکه منابع مختلف آن ذکر شده‌اند.

۳. اقوال فقهی و اصولی و دیگر اقوال تخریج شده، به مصادر خود ارجاع داده شده‌اند.

۴. در آغاز بحث از هر قاعده، دیگر کتبی که به قاعده فقهی مورد بحث پرداخته‌اند به ترتیب تقدم زمانی، و در خصوص مؤلفان معاصر بر اساس ترتیب القیابی، برشمرده شده‌اند.

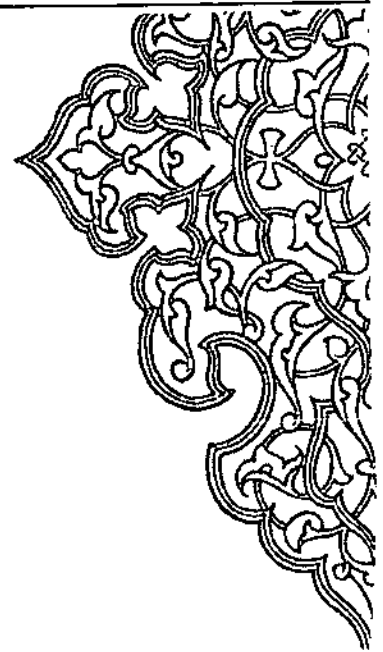
۵. فهرست مطالب به گونه‌ای تفصیلی در پایان هر جلد و به گونه اجمالی در پایان جلد هفتم آمده است.^(۱) در پایان جلد هفتم تحت عنوان «الفهارس العاقة» فهرست آیات قرآنی، احادیث، اسامی معصومان (علیهم‌السلام)، اعلام، کتابهای یاد شده در متن، و مصادر تحقیق ترتیب داده شده که بسیار ارزشمند است.

گفتنی است که استفاده از ۲۸۱ منبع (اعم از کتاب، مجله، و حتی رساله‌های فوق لیسانس دانشجویان) به عنوان مصدر تحقیق، نشان دهنده وسعت دامنه کتدوکاو محققان ارجمند و تلاش تمام آنان برای عرضه چاپی تحقیقی از این کتاب است.

از سوی دیگر، اهل فن به خوبی آگاهند که چاپ و عرضه مجموعه‌ای هفت جلدی با سیمایی چنین دلنشین و نیز دیگر خصوصیات یاد شده بدون کوششهای بی وقفه ناشر امکان پذیر نیست و بی‌شک این چاپ، سخت و امدار ناشر محترم آن است.

سعی تمامی عزیزان در خدمت به فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) مشکور باد.

تاریخ نگارش نخستین اثر مستقل در باب قواعد فقه در شیعه به قرن هشتم باز می‌گردد، آنگاه که شهید اول کتاب القواعد و القوائد را نگاشت. پس از آن کتب مختلفی در این زمینه به رشته تحریر کشیده شده است که از آن میان می‌توان به «عوائدالایام من مهمات ادلة الاحکام» اثر مولی محمد نراقی (م. ۱۲۰۹)، «عناوین» اثر سید عبدالفتاح بن علی حسینی مراغی (م. حدود ۱۲۷۴)، «القواعد الفقهیه» اثر کبازمی خالصی (م. ۱۳۴۳)، و «بلغة الفقیه» اثر سید محمد بحر العلوم (م. ۱۳۲۶) اشاره کرد. هر یک از این کتب ارزشمند خصوصیات دارد که آن را از دیگر کتب متمایز می‌سازد. اما در میان تمامی کتابهای نوشته شده در این باب «القواعد الفقهیه» آیت‌الله العظمی سید محمد حسین بجنوردی اثری کاملاً برجسته و متفاوت است. ایشان ضمن اجتناب از پرداختن به موارد غیر فقهی، به بررسی دقیق، مبسوط، فنی، و استادانه ۶۲ قاعده فقهی پرداخته تا اثری جامع و بس ارزشمند پدید آورده‌اند (پس از



اتمام قواعد، کتاب یا رساله‌ای گرانقدر در باب «توبه» پایان می‌پذیرد. آیت الله بجنوردی در مقدمه کتاب می‌فرماید: «در گذشته چون دیدم که قواعد فقهی پراکنده در ابواب عبادات و معاملات و احکام به گونه‌ای تشریحی در هیچ کتابی گرد نیامده‌اند بدانگونه که دشواریهایشان را آسان سازد و از پیچیدگیهایشان پرده بگیرد، دوست داشتم که آنها را جمع آورم، در توضیح دلالت و سند و مورد آن قواعد شرحی بنویسم، و نسبت میان آنها را روشن کنم و حاکم و محکوم و وارد و موردشان را مشخص سازم.»

مشخصه‌های این کتاب هفت جلدی را می‌توان در دو مقوله کلی جای داد: یکی مواردی که در تمامی قواعد اعمال شده، دوم اموری که به تناسب تنها در برخی قواعد به کار رفته است؛ بدین جهت باید به طور جداگانه به این دو مورد پرداخته در خصوص بخش اول نیازی به ارجاع نیست، و در بخش دوم از باب نمونه تنها به چند مورد ارجاع داده خواهد شد.

الف) مشخصه‌های عام

۱- الف) آیت الله بجنوردی در بحث از هر قاعده، مدارک قاعده و دلایل آن را بر می‌شمرند و به تفصیل به نقد و بررسی آنها می‌پردازند. سخنان اساطین نیز در همین رابطه نقل و نقد می‌شود. در «القواعد الفقهیه» به نام ۱۴۲ کتاب اشاره و از آنها نقل قول شده است که همگی فقهی نیستند، بلکه حوزه وسیع اخلاق، حدیث، آیات الاحکام، تفسیر، تاریخ و سیره، دعا، لغت و عربیت، و اصول فقه را در بر دارند.

۲- الف) مراد از قاعده را (بعضاً همراه با توضیح مفردات و احیاناً ترکیب جمله) توضیح می‌دهند و در مواردی که قاعده عیناً الفاظ حدیث است ضمن بررسی سند، به تفصیل به فقه الحدیث آن می‌پردازند. چنانچه احادیث متعددی در یک مورد وجود داشته باشد تمامی آنها را ذکر می‌کنند.

۳- الف) میزان دلالت، حجیت، و موارد جریان قاعده و نیز فروعی را که قاعده بر آن منطبق می‌شود کاملاً مورد بررسی قرار می‌دهند.

۴- الف) در بسیاری از موارد برای اثبات مدعای خود به آیات و روایات استشهاد می‌کنند. در «القواعد الفقهیه» مجموعاً ۱۷۱ آیه و ۱۳۰۴ روایت مورد استشهاد قرار گرفته است.

ب) موارد خاص

۱- ب) آیت الله بجنوردی در آغاز بحث خویش در نخستین قاعده، به توضیح فرق بین مسأله اصولی، قاعده فقهی، و مسأله فقهی می‌پردازند و بیان می‌کنند که مسأله اصولی آن است که کبرای قیاسی قرار می‌گیرد که حکم کلی فرعی الهی از آن استنتاج می‌شود؛ قاعده فقهی آن است که کبرای قیاس استنباط قرار نمی‌گیرد بلکه خود، یک حکم کلی فرعی است که بر موارد جزئی فراوان در ابواب مختلف منطبق می‌شود و پس از

استنباط از ادله و افتای فقیه به مضمون آن، مجتهد و مقلد در مقام تطبیق آن همانندند (گرچه در برخی موارد تشخیص و تعیین موضوع به دست مجتهد است)؛ و مسأله فقهی بر عکس قاعده فقهی از سعه و شمول برخوردار نیست و تنها بر یک مورد منطبق می‌شود (۱، صص ۵-۷).

بدینسان چنانچه در باب یک قاعده بحث باشد که آیا قاعده فقهی است یا اصولی، به گونه‌ای استدلالی به تبیین مطلب می‌پردازند (۱: ۵، ۳: ۲۳۹).

۲- ب) چنانچه اصل یا اماره بودن قاعده مورد بحث باشد، با توضیح کافی به روشن ساختن مطلب همت می‌گمارند (۱، ۶۸).

۳- ب) چنانچه قاعده مورد بحث با برخی قواعد دیگر مشابهت داشته باشد، به بیان فرق میان آنها می‌پردازند و با ذکر موارد کاربرد هر یک گره از مشکل همانندی می‌گشایند (۱، ۷: ۴، ۵۳). در برخی حالات نیز به بیان نسبت قاعده با ادله اولیه می‌پردازند (۲، ۳۴۰).

۴- ب) در برخی موارد به مسأله تعارض قاعده با دیگر قواعد، امارات، یا اصول می‌پردازند و روشن می‌سازند که در چنین صورتی چه باید کرد (۱: ۱۷۳، ۲، ۹۸).

۵- ب) چنانچه قاعده تخصیص یافته باشد به بیان موارد تخصیص می‌پردازند (۳: ۹۹، ۵: ۱۹۰).

۶- ب) چنانچه ذکر احکام دیگری برای تبیین قاعده لازم باشد به تفصیل آن احکام را بر می‌شمرند (۱: ۷۹، ۳: ۱۰۶).

۷- ب) در برخی موارد دامنه بحث چنان گسترده و جامع است که احکام یک مسأله تقریباً به طور کامل مورد بررسی قرار می‌گیرد و بدینسان خواننده از مراجعه به کتب فقه در آن باب بی‌نیاز می‌شود (۴: ۲۳۱ به بعد؛ ۵: ۹ به بعد).

۸- ب) در برخی موارد به مسائلی که مستقیماً مربوط به قاعده مورد بحث نیستند اما مناسبتی دارند و بحث از آنها مفید به نظر می‌رسد می‌پردازند. به عنوان مثال در ذیل بحث از قاعده قرعه، مسأله استخاره و برخی اشکالهای مطرح شده درباره آن را ذکر می‌کنند و به تفصیل راه‌حلها را بر می‌شمرند. (۱: ۷۰).

به هر روی، آنچه گفته شد وجوه تمایز کلی کتاب است. شاید خواننده محترم هنگام مطالعه کتاب «القواعد الفقهیه»، ضمن استفاده بسیار زیاد از مطالب ارزشمند و متنوع آن، خصوصیات دیگری نیز بیابد که گرانسنگی این اثر ارزشمند را بیشتر نمایان سازد. □

۱. در برخی پاورقیها اغلاط چاپی به چشم می‌خورد که امید است در چاپ بعدی اصلاح شود.